

اقتصاد

چرا کودکان کار ساماندهی نمی‌شوند؟

بیماری‌های مختلف در کمین کودکان کار

صفحه ۸



طوفان الاقصی از نگاه اندیشمندان روابط بین‌الملل

تحقیر و شکست تاکتیکی اسرائیل در حمله به غزه

حمله زمینی رژیم صهیونیستی به غزه می‌تواند شکست تاکتیکی تحقیرآمیز از حماس را به دنبال داشته باشد و برای تل آویو به یک بحران استراتژیک در بلندمدت تبدیل شود. با گذشت نزدیک به بیست روز از عملیات طوفان الاقصی و حمله اسرائیل به نوار غزه که کم‌کم ادامه دارد و تاکنون جان بیش از چهارهزار نفر را گرفته، تحلیل‌های گوناگونی از سوی اندیشمندان حوزه بین‌الملل ارائه شده است. توماس فریدمن تحلیلگر ارشد آمریکایی در گفت‌وگو با فرید زکریا در سی‌ان‌ان گفت: در کوتاه مدت جنگ بین حماس و اسرائیل عادی سازی روابط میان عربستان و اسرائیل را غیرممکن می‌کند. البته می‌دانم که اگر ایران مشوق حمله حماس نبوده، اما بزرگترین ذینفع آن است. فریدمن عنوان کرد: آخرین چیزی که ایران نمی‌خواست ائتلاف راهبردی میان آمریکا، عربستان و اسرائیل برای ایجاد توازن راهبردی در برابر تهران بود؛ اما این جنگ فعلاً عادی سازی روابط را ناممکن کرده است.

روزنامه نیویورک تایمز هم در یادداشتی که از سوی توماس فریدمن به نگارش درآمده، تصور یکسره کردن کار مقاومت فلسطین در غزه را اشتباه نامید و نوشت: اسرائیلی‌ها خواستار شکست دادن حماس و رفع تهدید غزه با تعبیر «یک بار برای همیشه» هستند. این خطرناک‌ترین جمله است. واقعیت آن است که تمام جنبش‌های اسلام‌گرا و شبه‌نظامی از طالبان گرفته تا حماس، جهاد اسلامی فلسطین، حزب‌الله لبنان و انصارالله در یمن همگی ریشه‌های عمیق فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی در جوامع خود دارند. آنها به منابع بی‌پایانی از جوانان برای بسیج‌گری دسترسی دارند. به همین علت هم هست که هیچ یک از این جنبش‌ها یک بار برای همیشه حذف نشده‌اند.

شرح در صفحه ۷

سخن نخست

آقای رشیدی کوچی آورده شما بیشتر شد یا مردم؟

من هم مثل خیلی‌های دیگر «جلال رشیدی کوچی» را از وقتی شناختم که شنیدم تنها نماینده مخالف فیلترینگ است در همان جلسه معروف کمیسیون داخلی مجلس. از آن جلسه به بعد بود که نماینده مرودشت در مجلس شورای اسلامی بیشتر از گذشته نام‌نشان به دست آورد و مثلاً شمار مخاطبان اینستاگرامش روز به روز بیشتر و بیشتر شد. آورده شخصی کوچی از آن جلسه بی‌نهایت بود به نحوی که در فضای مجازی برایش تیتراهای حماسی زدند و با طراحی تصویرش در آن جلسه کمیسیون فرهنگی در حالی که ایستاده بود طراحان عیاری روی آن جلسه پاشیدند!

ادامه در صفحه ۲



مهدی بفرافکن

تغییرات اقلیمی چه اثری بر منابع سدها داشته است؟

کاهش آب ۱۴ سد مهم

صفحه ۴

کمبود ۲۰۰ هزار معلم در مدارس کشور

غیبت غیرموجه کتاب و معلم!

صفحه ۳

پیام حضور دولتی‌ها و رضایی در گردهمایی ۴ هزار نفره «مبنا»

لشکرکشی یاران قالیباف مقابل پایداری و شربان

صفحه ۲



امن‌ترین سکه طلا برای سرمایه‌گذاران کدام است؟

بازار سکه در جدال با حباب و دلار

صفحه ۵

یادداشت

احساسی و ادراکی می‌خواهد. همه اینها باید دست به دست هم بدهند تا ما بتوانیم برای آن آرمان برنامه‌ریزی کنیم. گاهی در بعضی از برنامه‌ریزی‌ها دیده می‌شود که مقدمات مفهومی و شرایط ذهنی آن آرمان را فراهم نکرده ایم.

مانع دیگر این است که ما به یک هویت جمعی نیاز داریم. هیچ کشوری بدون اتکا به هویت جمعی و اتکا به افکار عمومی نمی‌تواند موفق شود. یک نظامی مثل ما که مدعی مردم‌سالاری دینی هستیم، این مردم‌سالاری یک هویت جمعی دارد. آن هویت باید شکل بگیرد. به لحاظ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... این هویت باید احساس شود و به عقلانیت تبدیل شود.

ما یک کشور انقلابی هستیم با این دشمنان، با این جایگاه، با این پایگاهی که در دنیا داریم. باید در برنامه‌ریزی نسبت خودمان را با همسایه‌ها، با کشورهای منطقه، با کشور اسلامی، با کشورهای دوست، با کشورهای دشمن، با ابرقدرت‌ها، با نهادهای بین‌المللی بسنجیم. اگر نسنجیم در برنامه‌ریزی تحولی معلوم نیست موفق شویم.

نکته بعدی اینکه مقادری نگرش‌های سلبی ما بر نگرش‌های اثباتی‌مان در دنیا غالب شده است. یعنی گویا به همه دنیا بدبین هستیم. همه دنیا را آلت دست استکبار جهانی می‌بینیم. من نمی‌خواهم بگویم نیستند ولی بالاخره ما بین این گرگ‌ها زندگی می‌کنیم. آیا باید ژست و گارد بگیریم و دشمن همه شویم؟ یا لاقلاً اولویت‌سنجی کنیم با یک عده‌ای که می‌توانیم رابطه برقرار کنیم. بالاخره این نسبت‌سنجی با دنیا یکی از چیزهایی است که در برنامه‌ریزی تحولی بسیار مهم است.

نکته بعدی که بسیار هم مهم هست آموزش است. ما در صنعت، اقتصاد، کشاورزی، فرهنگ، سیاست و همه این حوزه‌ها نیاز به آموزش و ارتقا داریم. دائماً آموزش ضمن خدمت می‌خواهیم. در مسئولین درجه یک بلکه درجه دو و سه، اصلاً چیزی به اسم آموزش ضمن خدمت نداریم. گویا همه که رئیس شده‌اند علامه دهر هستند. مگر می‌شود کسی در دنیای امروز کار کند ولی اطلاعات در این زمینه نداشته باشد. این یک نقصی است که ما داریم؛ بی‌توجهی به آموزش، اطلاعات، آگاهی، ارتقای سطح سواد و سطح بینش. که اگر به آن بی‌توجه شویم

یکی از مشکلات سر راه تحول این است که ما یک روحیه‌ای داریم که در هر کارمان که مشکل پیش می‌آید، می‌گوییم تقصیر استکبار جهانی است، تقصیر کسی دیگر است. اگر اصول‌گرایان باشند می‌گویند تقصیر اصلاح‌طلبان بود، اگر اصلاح‌طلبان باشند می‌گویند تقصیر اصولگرایان است، دائماً فراقفتی می‌کنیم. می‌گوییم ما مشکل نداریم. ما مقدس، خوب و پاکیزه هستیم. هر مشکلی هست از رقیب ما و دشمنان ما است. هیچ‌کس زیر بار مسئولیت نمی‌رود که لاقلاً ۲۰ درصد هم ما مشکل داشتیم یا اصلاً بپذیریم که ۲۰ درصد مشکل از ما بوده است.

شرایط کشور همین است هر کس می‌خواهد رئیس‌جمهور شود این شرایط را مطالعه کند و با توجه به همین وضعیت وارد شود. فردا نگوید قبلی‌ها یا خارجی‌ها خراب کردند، اگر با این شرایط می‌توانید کار کنید بیایید. این بسیار واقع‌بینانه است و از فراقفتی و مسئولیت را به دوش نگرفتن جلوگیری می‌کند؛ این هم یکی از مشکلاتی است که باعث می‌شود که تحول به نتیجه نرسد.

می‌کنیم که شرایط خاص خودش را دارد. ایران به لحاظ محیط و ژئوپلیتیک یک کشور استثنایی است. شرایط، موقعیت جغرافیایی، همسایگان، قومیت‌ها و... و یا مواردی مثل خشکسالی، فقر اقتصادی، تفاوت مذهبی و... همه اینها می‌توانند مانع تحول باشند.

مانع بعدی که باید به لحاظ برنامه‌ریزی تحولی رفع شود موانع ذهنی است. فارغ از این موانع عینی خارجی که اشاره کردم، جامعه به لحاظ ذهنی باید آماده شود و به یک منطقی برسد که آمادگی تحول را داشته باشد. پای کار بیاید و بشود روی آن برنامه‌ریزی کرد. اینها چیزهایی است که به عنوان چالش‌ها، موانع و آسیب‌های مسیر تحول است که باید در برنامه‌ریزی به آن توجه شود.

از یک منظر دیگر موانع را می‌خواهم به سه بخش تقسیم کنم؛ موانع بینشی، نگرشی و کنشی. موانع بینشی یعنی آن چیزی که به حوزه بینش و دانایی و ادراک مربوط است. بخش نگرشی به تمایلات، اعتقادات، باورها و ایدئولوژی که در جامعه حاکم است و رفتارهای اعتقادی که در جامعه داریم، مرتبط است.

یکی از مسائلی که من همیشه تکرار می‌کنم این است که باید از لحاظ نگرش‌های سیاسی متحول شویم؛ با همه تنوع سلیقه‌هایی که داریم باید به یک وفاداری اجتماعی و توافق ملی برسیم. ما باید به جایی برسیم که وقتی که پای منافع ملی، پای نظام اسلامی و پای قدرت ملی پیش می‌آید، همه یکدست شویم و پشت و پشتم و نظام و انقلاب و ارزش‌های دینی بایستیم. ما هنوز نتوانسته‌ایم موانع این بخش را حل کنیم.

ما یک ملت هستیم؛ یک هویت، یک پتانسیل و یک ظرفیت داریم این ظرفیت باید شکوفا شود. ما در یک کشتی نشسته‌ایم، نباید یک عده‌ای راحت بخوابند یک عده‌ای هم کشتی را سوراخ کنند چون نمی‌توانیم به مقصد برسیم. تحول از لحاظ نگرشی نیاز به یک اجماع ملی، هماهنگی و همدلی دارد و این را باید به لحاظ کنشی در رفتارها نشان بدهیم.

یکی از مشکلاتی که ما در بحث تحول داریم رواج انتزاع‌گرایی است. برخی از برنامه‌های ما ذهنی است و با واقعیت‌های خارجی تطبیق ندارد. یک جاهایی بلندپروازانه برنامه‌ریزی می‌کنیم یک جاهایی هم انقدر رها می‌کنیم مثل اینکه هیچ‌کس در این زمینه مسئولیت ندارد.

مانع بعدی گسست‌های تاریخی است. شکاف‌هایی که به لحاظ قومی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی در کشور داریم. میان دولت و ملت یک شکاف جدی وجود دارد. الان در جامعه حس می‌شود که یک بخشی از تفکر جامعه متحجر شدند. اکثریت ملت هم پیرامون آن اقلیت زندگی می‌کنند؛ آنها برنامه‌ریزی می‌کنند، حرف می‌زنند، تصمیم می‌گیرند و عمل می‌کنند.

شکافی که میان دین و سیاست ایجاد شده است. شکافی که میان تحجر و انفعال پیش آمده و رهبری روی آن تأکید می‌کنند. یک بخشی از تفکر جامعه متحجر شدند. مقدس‌مآبانی که می‌خواهند همه قدرت منحصراً در اختیار خودشان باشد، هیچ‌کس را هم راه ندهند. یک بخش دیگر هم منفعل شده‌اند و می‌گویند ما نمی‌توانیم، بیخودی داریم زور می‌زنیم. مگر می‌شود با آمریکا و اروپا در افتاد و موفق شد؟

مانع بعدی این است که گاهی ما روی آرمان‌هایی دست می‌گذاریم ولی به مقدمات رسیدن به آن آرمان توجه نداریم. هر آرمانی مقدماتی دارد. یک سری مفاهیم ذهنی، عینی و

«موانع تحول مطلوب» در انقلاب اسلامی



محسن مهاجرنیا

موانع تحول در پنج دسته ادراکی، فرهنگی، احساسی، محیطی و ذهنی بوده و تحول مهمترین راهبرد انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف و شرایط مطلوب است که البته با موانع، مشکلات و چالش‌های فراوانی هم روبرو است. موضوع تحول که در نوزده جلسه گذشته بحث کردیم یکی از بحث‌های اساسی و مهم نظام جمهوری اسلامی است. در جلسات گذشته از زوایای مختلف درباره ابعاد مثبت تحول از جمله: ظرفیت‌ها، فرصت‌ها، عناصر، ارکان، عوامل، مبانی و دیگر زوایای آن بحث کردیم. در این جلسه می‌خواهیم درباره «موانع مسیر تحول» با هم صحبت کنیم.

موانع تحول را در پنج دسته ادراکی، فرهنگی، احساسی، محیطی و ذهنی می‌توان برشمرد که تحول مهمترین راهبرد انقلاب اسلامی برای رسیدن به اهداف و شرایط مطلوب است که البته با موانع، مشکلات و چالش‌های فراوانی هم روبرو است. یکی سری از موانع ادراکی هستند. مربوط به درک و فهم و علم و دانش کسانی است که می‌خواهند تحول ایجاد کنند.

اینکه فهم و درک ما از شرایط چقدر است. اینکه تحول یک امری ملی است و فقط برای دولت یا رهبری نیست. هنر بانایان تحول این است که همه ملت را پای کار بیاورند. همانطوری که امام راحل همه ملت را پای انقلاب آورد و بزرگترین تحول یکصد ساله اخیر اتفاق افتاد.

مشارکت و ادراک فعال یعنی اینکه خود مردم احساس کنند که جامعه نیاز به تحول دارد. ما باید به یک شعور و عقلانیت جمعی برسیم تا متحول شویم. مایباید به لحاظ ادراکی، خلاقیت، ابداع و هوشمندی به این عقلانیت برسیم که جامعه باید متحول شود.

مانع مهم بعدی که بر سر راه تحول وجود دارد مانع فرهنگی است. ما باید به لحاظ فرهنگی، باورها، اعتقادات مردم و سنت‌هایی که در جامعه حاکم هست به این جمع‌بندی برسیم که باید متحول شویم.

الان به لحاظ فرهنگی طوری شده که دولت هر کاری بکند ملت ممکن است که بگویند کاری بدی است. ملت هم هر خواسته و مطالبه‌ای داشته باشد، دولت بد به آن نگاه می‌کند و این فرهنگ خیلی خطرناک هست. یکی از پدترین موانع پیشرفت، شکاف میان دولت و ملت است که متأسفانه ما گرفتار آن شده ایم و برای برون‌رفتش باید کاری بکنیم.

گاهی احساسات و هیجاناتی برای ما شرایط ایجاد می‌کند. گاهی به لحاظ احساسی یک ملت شجاع یا خودباخته می‌شود و یا یک ملت روحیات خاص خودش را پیدا می‌کند.

اگر به لحاظ احساسی مردم به عقلانیتی برسند که احساسات آنها پشت سر منافع ملی همسو شود آن موقع می‌توانند به تحول کمک کنند اما اگر این احساسات هدایت نشود ممکن است برعکس عمل کند. جامعه برای پیشرفت و تحول باید بتواند احساسات خود را کنترل و منطقی کند. بنابراین یکی از چیزهایی که مانع تحول می‌شود عدم مدیریت احساسات است. چهارمین مانع، موانع محیطی است. ما در ایران زندگی

طنز

لوس‌ترین طلای سال!



وحید حاج سعیدی

این که خلق الله یا حتی دانشمندان دائم از یک فلز خاص تعریف کنند و به بقیه فلزات بی توجهی کنند کار درستی نیست و نتیجه اش جفتک چارکش انداختن و رم کردن فلز مورد نظر می‌شود. فی‌المثل در این که طلا فلزی زیبایی است و از نظر جدول تناوبی عناصر به صورت یک فلز سنگین و نجیب طبقه بندی شده

(و جزو فلزات جلف و بی جنبه نیست) شکی نیست. شاید به همین علت طلا در تجارت، مهمترین فلز در میان فلزات گرانبها تلقی می‌شود؛ ولی این نباید باعث غفلت ما از سایر فلزات شود.

چرا که در سال‌های اخیر طلا یکی از لوس‌ترین سال‌های خودش را پشت سر گذاشت و گوشش به حرف هیچ‌کس حتی رئیس بانک مرکزی و نرخ معمول طلای جهانی نبود و تند و بالا و پایین می‌کشید و هر کاری کردند که لاقلاً کمی دست از حرکات موزون و نوسان، بر دارد نشد که نشد. تا جایی که مجبور شدند سکه‌های گرمی و میلی گرمی هم تولید کنند و حتی زمزمه تولید آمیول و محلول طلا! هم شنیده شد ولی باز هم طلا سر به زیر نشد و بازار سیاه این سکه‌های گرمی هم در گوشه و کنار شهر رویت می‌شود. البته علاقه وافر بانوان و حتی جماعت ذکور به طلا در این تغییر واحد اندازه‌گیری و فروش طلا بی‌تأثیر نیست. در گذشته طلا مثل خرما و آلو به صورت طبقی خرید و فروش می‌شد: «ز علوم گذشتگان ورثه» نزد ایشان به از طلا طبقی « ولی رغبت مردم به داشتن طلا به جای علوم گذشتگان و لی‌لی به لالای طلا گذاشتن باعث شده که طلا دیگر مثل گذشته سر به زیر نباشد و سری در بین سرها پیدا کند و مثل زعفران گرمی و مثقالی به فروش برسد.

تازه شناس آوردیم طلا روی هورمون‌های جنسی و گلبول‌های بدن مردان اثرات منفی دارد وگرنه با این استقبالی که برخی از جماعت ذکور از لوازم آرایشی و آلابشی دارند، معلوم نبود اگر طلا برای مردان مفید بود چه شیر تو شیر می‌شد.

علی‌ای حال به منظور کم کردن روی طلا و آچمز کردن نوسانات طلا پیشنهاد می‌گردد با تغییر ذائقه تجملاتی مردم غائله نوسانات بازار طلا را بخوابانیم. همانگونه در جریان هستیم در سال‌های اخیر با برنامه‌های مختلف صدا و سیما و سایر نهادها، ذائقه سرمایه‌گذاری، ترافیکی، غذایی، فرهنگی، گفتاری و رسانه‌ای مردم تغییر کرده است. مثلاً به جای استفاده از خودروی شخصی از مترو استفاده می‌کنند یا به جای مصرف فست‌فودها، مصرف آبگوشت بزباش و آش رشته رشد چشمگیری و به جای خواندن روزنامه و مجله از صبح تا شب در فضای مجازی فر می‌خورند. بر همین پیوست، پیشنهاد می‌شود به جای طلا، فلز دیگری مثل آهن را علم کنیم و با معرفی خاص جدید درمانی و زیبایی فلز نوسیده توی سر طلا بکوبیم. فقط خانم‌ها باید قول بدهند با این رویکرد جدید در مصرف آهن صرفه جویی کنند و به صرف ارزان بودن فلز زینتی آهن به فکر کت و کول خود نیز باشند و یک وانت جواهرالات با خود به مراسم عروسی نبرند! از ما گفتن بود...